

# مجمع عرفان

دوره یک صد و یکم

گلگشتی در مبادی معتقدات

و

آثار مبارکه بهائی



۱۸ تا ۲۲ می ۲۰۱۱

مدرسه بهائی بوش

سانتا کروز، کالیفرنیا

## طوبی لمن تفکر فی ما نزل فی کتاب الله المہیمن القیوم

### برنامہ مجمع عرفان

دورہ یک صد و یکم

۱۸ تا ۲۲ می ۲۰۱۱

مدرسہ بھائی بوش

### چهارشنبه ۱۸ می ۲۰۱۱

ورود و نام نویسی	بعد از ظهر	
شام	۱۸:۰۰	
آغاز برنامه		
تلاوت مناجات و آثار مبارکہ	۱۹:۳۰	
خوش آمد و اعلانات عمومی	۱۹:۴۵	
هماہنگ کنندگان برنامه ہا		
پیام مدرسہ بھائی بوش	۲۰:۰۰	
معرفی شرکت کنندگان	۲۰:۱۵	
مجمع عرفان درگذشتہ و حال	۲۰:۳۰	
بزم عرفان	۲۱:۰۰	
کتاب فروشی و کافہ	۲۲:۰۰	

### پنج شنبہ ۱۹ می ۲۰۱۱

مشرق الادکار	۷:۳۰ تا ۸:۰۰	
صبحانہ	۸:۰۰ تا ۹:۰۰	
مناجات شروع و اعلانات	۹:۰۰ تا ۹:۱۰	
سز اللہ الاقوم: بحثی در القاب و نعوت حضرت عبدالبہاء	۹:۱۰ تا ۱۰:۱۰	فریس بدیعی
تنفس	۱۰:۱۰ تا ۱۰:۳۰	
موسیقی	۱۰:۳۰ تا ۱۰:۴۵	

### مجمع عرفان

تشکیل مجمع عرفان بہ منظور ترویج و تقویت مطالعہ و تحقیق در آثار مقدسہ ادیان الہی و اصول معتقدات بھائی در سال ۱۹۹۳ آغاز شد. این مجمع، ہمہ سالہ بہ طور جداگانہ بہ زبان های فارسی، انگلیسی و آلمانی در اروپا (ایتالیا و آلمان) و در آمریکای شمالی (در مدرسہ بھائی لوہلن در ایالت میشیگان و در مدرسہ بھائی بوش در ایالت کالیفرنیا) برگزار میشود. برنامه جلسات مجمع عرفان، شامل سخن رانی ها و آرایہ مقالات تحقیقی، مطالعات تفصیلی و تحلیلی آثار مبارکہ بھائی، بحث و مشورت، برنامه ریزی و همکاری در مطالعات امری و استفادہ از نعمات موسیقی و آواز و نمایش فیلم است. مقالات تحقیقی کہ در مجمع عرفان (بہ فارسی) آرایہ می شود در دفترهای «سفینہ عرفان» درج و نشر می شود. سفینہ عرفان، ہم چنین محتوی الواحی است کہ قبلاً طبع و نشر نشده و منابع و مراجعی است برای مطالعات امری. برای کسب اطلاع در بارہ هدفها، برنامهها و انتشارات مجمع عرفان بہ تارنامہ [www.irfancoolloquia.org](http://www.irfancoolloquia.org) رجوع کنید.

## انتشارات مجمع عرفان

سفینه عرفان، مطالعاتی در اصول معتقدات و آثار مبارکه بهائی، دفتر اول تا دفتر سیزدهم، ۱۹۹۸ - ۲۰۱۰

آفتاب آمد دلیل آفتاب، استمرار مآثر کمیل بن زیاد نخعی، تألیف وحید رأفتی، دارمشتات، آلمان: عصر جدید ۲۰۱۰

Moojan Momen (ed.), *Scripture and Revelation*, Oxford: George Ronald, 1997

Moojan Momen (ed.), *The Bahá'í Faith and the World Religions*, Oxford: George Ronald, 2005

Iraj Ayman (ed.), *The Lights of 'Irflín, Compilations of Papers Presented at 'Irflín Colloquia* (in English) Books One to Eleven, 2000 - 2010

Farah Dustdar (ed.), *Beitüge des 'Irflín - Kolloquiums: Compilations of Papers Presented at 'Irflín Colloquia* (in German), Hofheim, Germany: Bahá'í Verlag, Books one to Five, 2004 - 2009

Maryam Afshar, *Images of Christ in the Writings of 'Abdu'l-Bahá*, 2004

Wolfgang Klebel, *Revelation of Unity, Unity of Revelation*, Darmstadt, Germany: Reyhani Verlag, 2009

ارسلان گنولا	تندرستی و بهبودی؛ دیدگاه امر بهائی	۱۴:۳۰ تا ۱۵:۳۰
	تنفس	۱۵:۳۰ تا ۱۵:۴۵
علاء قدس جورابچی	سوابق و مضامین لوح خراسان (ادامه)	۱۶:۴۵ تا ۱۷:۴۵
	تنفس	۱۷:۰۰ تا ۱۶:۴۵
	موسیقی	۱۷:۱۵ تا ۱۷:۰۰
		۱۸:۱۵ تا ۱۷:۱۵
	شام	۱۸:۱۵ تا ۱۹:۳۰
	وقت آزاد و استراحت	۱۹:۳۰ تا ۲۰:۰۰
	بزم عرفان	۲۰:۰۰ تا ۲۱:۰۰
	جلسه مشورتی در باره مجمع عرفان	۲۱:۰۰ تا ۲۲:۰۰
	کتاب فروشی و کافه	۲۲:۰۰ تا ۲۳:۰۰

## شنبه ۲۱ می ۲۰۱۱

	مشرق‌الاذکار	۷:۳۰ تا ۸:۰۰
	صبحانه	۸:۰۰ تا ۹:۰۰
	مناجات شروع و اعلانات	۹:۰۰ تا ۹:۱۰
	ابعاد گوناگون اهمیت و تأثیر سفرهای حضرت عبدالبهاء فرهاد ثابتان	۹:۱۰ تا ۱۰:۱۰
	در غرب	
	تنفس	۱۰:۱۰ تا ۱۰:۳۰
	موسیقی	۱۰:۳۰ تا ۱۰:۴۵
	«عبدالبهائیه مبین است، نه شارع»؛ ریشه تعالیم خطابات مینا یزدانی	۱۰:۴۵ تا ۱۱:۴۵
	مبارکه در آثار جمال ابهی	
	تنفس	۱۱:۴۵ تا ۱۲:۰۰
	دین باید پویا و بالنده باشد	۱۲:۰۰ تا ۱۳:۰۰
فرزانه ثابتان	ناهار	۱۳:۰۰ تا ۱۴:۰۰
	وقت آزاد و استراحت	۱۴:۰۰ تا ۱۴:۳۰
	مفهوم عشق و محبت در آثار عرفانی امر بهائی	۱۴:۳۰ تا ۱۵:۳۰
	تنفس	۱۵:۳۰ تا ۱۵:۴۵
	امر بهائی و نهضت‌های دین ناباوری	۱۵:۴۵ تا ۱۶:۴۵
مهیار رهنمایی	تنفس	۱۶:۴۵ تا ۱۷:۰۰
	موسیقی	۱۷:۰۰ تا ۱۷:۱۵
	مفهوم نوری از خدا در دیانت بهائی	۱۷:۱۵ تا ۱۸:۱۵
رامین وصلی	شام	۱۸:۱۵ تا ۱۹:۳۰

## مفهوم نوی از خدا در دیانت بهائی

### رامین وصلی

امروزه، اکثر مکاتب فلسفی بر این باورند که خدا دیگر چندان شأن و منزلتی در اندیشه بشر ندارد و فقط می‌توان از آن به عنوان یک پدیده متعلق به گذشته و دوران اندیشه سنتی و اسطوره‌ای یاد کرد. اما اگر بخواهیم جانب انصاف را روا داریم، باید بگوییم خدا به عنوان «حقیقت هستی» نزد فلاسفه طرد و انکار نمی‌شود، آن‌چه برای آنان قابل قبول نیست، مفهوم خدا نزد ادیان می‌باشد، به ویژه خدای ادیان ابراهیمی. بنابراین، پرسش این است: آیا چنین سرنوشتی می‌تواند گریبان‌گیر دیانت بهایی شود؟ در دیانت بهایی هم دیدگاه ته‌ایسمی از خدا و هم برخی از جنبه‌های مفهوم دئیسمی مورد تأیید است و علاوه بر آن، مفهوم جدید و بدیعی از آن ارایه شده که متضمن هر دو مفهوم است و دیدگاه نوینی نیز می‌تواند باشد. در کل، می‌توان گفت که دو مفهوم از خدا مطمح نظر می‌باشد؛ خدای فلسفه و خدای دین هر دو از یک مفهوم ولی به صورتی متفاوت سخن می‌گویند.

## معرفی اجمالی موضوع سخنرانی‌ها

### به ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسندگان

### پیش‌گویی‌های حافظ در ارتباط با

### دو ظهور بابی و بهائی

### فارس هدایتی

اشعار حافظ، پیوند عمیقی با فرهنگ فارسی‌زبانان دارد و چه بسیار از مردمان از طبقات مختلف و اندیشه‌های متفاوت و چه بسا مخالف این اشعار را زبان حال خود می‌بینند و انس و علاقه‌ای خاص بدان دارند. اگر چه قرن‌ها از سرودن آن می‌گذرد ولی هم‌چنان طراوت و تازگی خود را حفظ کرده. مهم‌تر از همه این‌که بسیار دیده شده است که طلعات مقدسه بهائی برای تفهیم مفاهیم روحانی امر بدیع، از اشعار حافظ مثال آورده‌اند. این مسئله، به راستی گواه قدر و منزلت این اشعار است. در این مقاله، علاوه بر بررسی بشارات ظهور در اشعار حافظ، به بررسی مفاهیمی از این اشعار می‌پردازیم که با برداشت

منتهی می‌شود. اخیراً در مقاله‌ای که در نشریه علمی «ساینتیفیک امریکن مایند» منتشر شده، آمده است که مطالعه اخیری که در باره دو هزار پدر و مادر انجام گرفته تا مهم‌ترین مهارت‌ها را برای تربیت اطفال سالم و موفق بیابند، ده مهارت را از همه مهم‌تر شناخته شده است که در صدر آنها، ابراز محبت به فرزندان قرار دارد محققین باعث ولی آن چه برای محققین تعجب آور بوده، اینست که توانایی مسلط شدن بر فشارهای روحی، مهم‌تر از داشتن روابط مطلوب بین والدین نشان داده شده است.

سه مأخذی که در این تحقیق مورد مقایسه قرار گرفته‌اند، عبارتند از: آنچه متخصصین تجویز می‌کنند؛ آن چه عملاً به نتیجه رسیده است و آن چه والدین در واقع انجام می‌دهند. جالب است که برخلاف معتقدات بهائی، اهمیّت دین در این مطالعه در رتبه نهم قرار گرفته است.

ده مهارتی که این تحقیق مهم دانسته از این قرار است:

۱. **عشق و علاقه بلا شرط:** نشان دادن محبت به فرزندان، تحسین و تمجید کردن از اطفال و پذیرش آنان، گوش دادن و توجه کردن به سخنان و رفتار فرزندان و صرف زمان لازم و کافی با آنان.

۲. **ایجاد محیط آرام و کوشش در کم کردن از فشار روحی:** کم کردن از عوامل تولید کننده فشارهای روحی، استفاده از روش‌های کاهش فشارهای روحی، به مسایل زندگی با دیدی مثبت نگریستن، برنامه‌ریزی امور مستدل و منطقی و آموختن روش‌های برخورد با فشارهای روحی به اطفال.

۳. **مهارت در داشتن روابط انسانی مطلوب:** وجود رابطه دوستانه و محبت‌آمیز بین والدین، هماهنگی روش‌های تربیتی والدین، اختصاص وقت کافی برای فعالیت‌های خانوادگی، اختصاص زمانی برای والدین بدون حضور اطفال، حل کردن موارد اختلاف دور از نظر اطفال، آموختن راه و رسم معاشرت با دیگران به فرزندان.

۴. **کسب استقلال و خودکفایی:** احترام گذاشتن به فرزندان برای ایجاد تقویت اعتماد به نفس در آنان، تشویق فرزندان به خودکفایی و به دست آوردن استقلال.

عقلیه نیز اظهار فرمودند. تأسیسات انبیا سبب حیات بشر بود، سبب نورانیّت عالم انسانی بود ولی نهایت اسف در این است که به کلی تغییر و تبدیل یافت، آن حقایقی که انبیا به صدمات و بلیات عظیمه نشر دادند، به واسطه تقالید از میان رفت. هر یک از انبیا، فوق طاقت بشر صدمات کشید، عذاب‌ها دید، شهید شد و بعضی سرگون گشتند تا آن اساس الهی را تأسیس نمودند. ولی مدتی نگذشت که آن اساس حقیقت از میان رفت، تقالید به میان آمد و چون تقالید مختلف بود؛ لهذا سبب اختلاف و نزاع بین بشر شد؛ جدال و قتال به میان آمد. و اما انبیا به کلی از آن تقالید بی‌خبر بلکه بیزار؛ زیرا انبیای الهی مؤسس حقیقت بودند. حال اگر ملل عالم ترک تقالید کنند و تحرّی حقیقت نمایند، متحد و متفق شوند و حقیقت یکی است، تعدّد قبول نکند و حقیقت، نورانیّت توحید است، اساس وحدت عالم انسانی است، اما تقالید سبب تفریق بشر و مورث محاربه و جدال است. جمیع ادیان که ملاحظه می‌نمایید، الیوم منبعث از تقالید آبا و اجداد است؛ شخصی که پدرش یهودی بود، او هم یهودی است. اگر پدرش مسیحی بود، او نیز مسیحی. آن که پدرش بودایی بود، او نیز بودایی و اگر پدرش زردشتی بود او نیز زردشتی. این پسران جمیعاً تقلید آبا می‌کنند، ابدأ تحرّی حقیقت نمی‌کنند. در تحت تقالید مانده‌اند. این تقالید سبب شده که به کلی عالم انسانی مختل گردیده و تا این تقالید زایل نشود، اتحاد و اتفاق حاصل نگردد و تا این تقالید محو نشود، آسایش و راحت عالم انسانی جلوه ننماید. پس حقیقت ادیان الهی دو باره باید تجدید گردد؛ زیرا هر دین به منزله دانه بود، نبات شد، اغصان و اوراد پیدا کرد، شکوفه و ثمر به بار آورد؛ حال آن درخت کهنه گردیده؛ برگ‌ها ریخته شده؛ آن شجر از ثمر باز مانده بلکه پوسیده شده؛ دیگر تشبّث به آن فایده ندارد. پس باید دانه را دو باره بکاریم زیرا اساس ادیان الهی یکی است. اگر بشر دست از تقالید بردارد، جمیع ملل و ادیان متحد شوند و جمیع با یکدیگر مهربان گردند و ابدأ نزاع و جدال نماند؛ زیرا جمیع، بنده یک خداوندند. خدا مهربان به کلّ است. خدا رازق کلّ است. خدا موحی کلّ است. خدا مُعطی کلّ است؛ چنانچه حضرت مسیح می‌فرماید که آفتاب الهی بر گنهکار و نیکوکار هر دو می‌تابد یعنی رحمت پروردگار عامّ است؛ جمیع بشر در ظلّ عنایت حقّ بوده؛ جمیع خلق غرق دریای نعمت پروردگار، فیض و موهبت الهی شامل کلّ است. پس امروز از برای کلّ، راه ترقّی مهیا و ترقّی بردو قسم است؛ ترقّی جسمانی و ترقّی روحانی. ترقّی جسمانی سبب راحت معیشت است اما

زمان بشر، سروده شده بوده است. این راز آفرینش، با تغییر مختصر در کتاب تورات و با تغییرات دیگر، در کتاب قرآن هم درج گردیده است.

اما بعد از قرن ۱۵ میلادی که قرن پیشرفت سریع علم و دانش بشر بوده و به نام قرن روشنگری معروف گردیده است، دیگر آن افسانه راز آفرینش، به خصوص برای علما و دانشمندان، چندان مشکل‌گشا نبوده و با توجه به میزان دانش به دست آمده برای بشر، افسانه جدید دیگری ساز گردیده است.

حضرت عبدالبهاء، در ایام حیاتشان بارها در باره راز آفرینش، مورد سؤال قرار گرفته و هر بار، این راز خلقت را به زبانی ساده بیان فرموده‌اند. یکی از آن مواقع، ملاقات ایشان با پروفیسور Bergson Henri، پروفیسور مادی‌گرای اروپایی بوده است که شرح این ملاقات بسیار شنیدنی است. ضمن شرح این ملاقات، نظریات آینشتن، هاکینز و فرضیه Intelligence design هم در باره راز آفرینش بیان خواهد گردید.

### سخنی درباره لوح خراسان

#### صادره از قلم حضرت عبدالبهاء

علاءالدین قدس جورابچی

یکی از الواح صادرة از قلم معجز شیم حضرت عبدالبهاء به زبان عربی، لوحی است معروف به لوح خراسان، در عرف بهائیان، مُصدَّر به: «هوالله» و با مطلع: «آیا نفعات الله، هُبَّی مَعْظَرَةً» که آن حضرت آن را در عکا، پیش از جلوس بر اریکه میثاق و در واپسین ایام حیات حضرت بهاءالله در این جهان، به امر و اراده آن حضرت، با زبانی فصیح و بلیغ و کلامی شیوا و شورانگیز، خطاب به بهائیان «ارض خاء» می‌نگارند و ارسال می‌دارند.

در این لوح، حضرت عبدالبهاء، مراتب مهر و محبت و درود و تحیت جمال اقدس ابهی را به احتیای خراسان ابلاغ می‌نمایند و آنان را به صبر و شکیبایی و استقامت و پایداری و پرهیز از خوف و هراس و بیم به هنگام ظهور و پیدایی رنج و گزند و آسیب در سبیل پروردگار جلیل، تشویق و ترغیب می‌کنند و با اشاره به شدت و حدت تضییقات و نامالیمات، مؤمنان را به لطف و عنایت خداوندگار مطمئن و امیدوار می‌سازند.

سال‌های بین قرن پنجم تا نهم هجری که دوران شکل گرفتن و اوج عرفان نظری محسوب می‌شود، شاهد ظهور عرفا و بزرگانی است که یا در راه عشق قدم نهاده‌اند و یا عمر را صرف نگارش در باره مراحل و انواع عشق نموده‌اند. عرفای فارسی‌زبان کلماتی نظیر محبت، عشق، و داد و مشتقات آنها را اکثراً به یک معنا به کار برده‌اند؛ ولی در آثار فقهای اسلامی، کلمه عشق دیده نمی‌شود و استفاده از آن را در ارتباط با خداوند نامناسب دانسته‌اند. از جمله شیخ احمد احسائی این مطلب را در شرح الزیارة الجامعة الکبيرة ذکر کرده است. ظاهراً دلیل این مطلب آن است که کلمه حب و مشتقات آن در قرآن به کار برده شده ولی کلمه عشق در قرآن دیده نمی‌شود.

موضوع عشق یا محبت، شاید عام‌ترین موضوعی است پس از مفهوم وجود که در آثار متصوفه، عرفان نظری دیده می‌شود. به خصوص صوفیانی که در باره مراتب سیر و سلوک مطلب نوشته‌اند و مراحل و وادی‌های مختلف این راه را بیان کرده‌اند، توجه خاصی به موضوع عشق نشان داده‌اند. برای مثال، در قرن ششم هجری، احمد غزالی رساله سوانح را در باب عشق می‌نگارد و شاگردش، عین‌القضات همدانی، شش فصل از کتاب مشهور خویش به نام تمهیدات را به موضوع عشق اختصاص می‌دهد. فریدالدین عطار در «منطق‌الطیر» وادی عشق را به عنوان یکی از مقامات سیر و سلوک بیان می‌کند. در بین عرفای بزرگ، جلال‌الدین مولوی بلخی به عنوان کسی که عشق در تمامی اعمال و حیات او جلوه‌گر گشته مشهور شده است. در مقابل، محیی‌الدین ابن عربی به عنوان فردی که عشق را بیشتر از نظر فلسفی، نه نظری، مورد توجه قرار داده شهرت یافته است. تحقیقات سال‌های اخیر نشان می‌دهد که این برداشت از ابن عربی ناقص است؛ زیرا او به عشق عملی نیز توجه فراوان داشته است.

با وجودی که عرفا و متصوفه در خصوص موضوع عشق، کتاب‌ها نوشته و بحث‌ها نموده‌اند، عموماً گفته‌اند که از تعریف و توصیف عشق عاجز مانده‌اند.

هرچه گویم عشق را وصف و بیان چون به عشق آیم خجل مانم از آن

به نظر می‌رسد در بین عرفای بزرگ، شهاب‌الدین سهروردی تنها فردی است که با وجودی که برای عشق، اهمیّت فراوان قایل است، آن را در مرتبه‌ای پایین‌تر از عقل

حقایق مستوره در آثار مزبور را ارایه می‌دهند تا هر نفسی به اندازه فهم و درک خود به جواهر معانی در آیات الهی واقف گردد. ختم رحیق مختوم به یک عبارت، اشاره به توضیح و تبیین معانی آیات متشابهات در کتب مقدسه ادیان گذشته و یا اصطلاحات متداوله بین عرفا و هم‌چنین ابراز معانی بدیعه اصولی بعضی از اعتقادات اساسی ادیان قبل است. این عبارات متشابه و استعارات متباینه، حکم نوشیدنی مرغوب و مطلوبی را دارد که مهور و دور از دسترس بندگانند و مورد تعبیرها و تفسیرهای گوناگون و سؤتفاهمات بسیار قرار گرفته‌اند. حضرت ربّ اعلی، مه‌راین سرپوشیدگی و رموز موجود در این کلمات و آثار را برداشته‌اند و رحیق مختوم را با اصابع قدرت و اقتدار گشوده‌اند. ختم رحیق مختوم، ارایه مفاهیم اصولی و مبادی اساسی عبارات و اصطلاحاتی است؛ مانند سیف، جنّت، قیامت، موت، بعث، ملایکه، قبر، میزان، ساعت، ملأ اعلی، خاتمیّت، مظهریّت، الوهیت و ربوبیّت، طهارت، سبحات جلال، صور، اجتماع گرگ و میش، حشر و نشر، فصل و حساب، فقر و سلطنت و امثال آنها.

ختم رحیق مختوم به عبارت دیگر، اشاره به حقایق عالیّه‌ایست که پوشیده و مستورند ولی اسباب ارتفاع به مقامات عالیّه انسانی را فراهم می‌آورند. این حقایق، مفاهیم اصولی هستند که زمینه ارتفاع، بلوغ و وصول انسان‌ها را به مراتب عالی کمال روحانی امکان‌پذیر می‌نمایند تا آن‌که هر فردی بتواند اهداف اساسی را از وسایل و وسایط وصول به آن اهداف تفکیک نموده، از اصل و مبدأ و جوهر هیچ امری غافل نگردد. به عنوان مثال، به تمسک به علم و دین از جوهر علم و «ما یثبت به الدین» (بیان فارسی) خود را محروم نسازد و یا آن‌که مثلاً به تعلق به اعراش و اکراس و مرایای ظهورات الهی (پیامبران) از شمس حقیقتی که در این مرایا تجلّی نموده، محتجب نگردد و یا تبعیّت از احکام از منزل و هدف اساسی احکام که شناخت شجره حقیقت در هر ظهور است، غافل نشود و از اصل و مبدأ و جوهر دین و هدف غایی علم که ایجاد الفت و اتحاد حقیقی بین قلوب جمیع من علی الارض است، خود را محروم ننماید و به عین قلب و بصیرت و روح ایمانی به جواهر مکنون در معدن عالم انسانی دسترسی یابد.

جوهر مطلب آن‌که، ختم رحیق مختوم از یک طرف اشاره به ابراز معانی بدیعه اصطلاحات موجود در آثار مقدسه ادیان گذشته است، معانی بدیعه‌ای که گویای حالات روانی و فکری عصر حاضر است و صاحب روح حیوانی است که موجب بروز جواهر

بلايا و شکنجه و آزار و قتل و غارت‌هاییست که بر اساس برداشت‌های مختلفی که رؤسای ادیان از کلمات و سنن انبیای الهی عرضه داشته‌اند، روی داده است و چنان‌که می‌بینیم حتی امروز هم عواقب این روش دام‌گیر مردمان مظلوم است.

از جمله تحولاتی که در دوران قیادت مرکز میثاق با الهام و بر اساس آثار قلم اعلی و ابتکار و پامردی حضرت عبدالبهاء در تاریخ ادیان روی داد، تغییر جهت مسیر تفسیر نصوص الهی بود که بر خلاف آنچه در سایر ادیان روی داده، موجب حفظ و استمرار وحدت و یگانگی در جامعه بهائی شده است. حضرت ولی‌ام‌الله و بیت‌العدل اعظم در اجرا و استمرار این روش بدیع، در تحوّل و تغییر مسیر تفسیر و تبیین (و ترجمه) نصوص به ارشاد و هدایت و تشویق افراد و جوامع بهائی پرداخته‌اند. نکته‌ای که در ارتباط با این مبحث مطرح می‌شود و نیازمند توضیح است، اقدامات برخی افراد است که کوشیده‌اند و اکنون نیز می‌کوشند تا با توسل به تفسیر و تأویل شخصی، در جامعه بهائی انشقاق و تفرقه ایجاد کنند و گونه‌های فرعی برای آیین بهائی به وجود آورند.

## سزالله الاقوم

### فریس بدیعی

جمال اقدس ابھی، حضرتش را توسط القاب و نعوت متعدّدی از قبیل «من طاف حوله الاسماء» و «غصن الله الاعظم» و «من اراده الله» و «هیکل المقدّس الابھی» و «غصن الامر» و «غصن القدس» و «امانة الله» و «سرکار آقا» مخاطب فرمودند. از جمله این القاب «سزالله الاقوم» است که هیکل اقدس در سوره غصن بر ایشان اعطا فرمودند. اگر چه درک کامل معانی و اشارات دقیقه مکنونه در عبارت «سزالله» از حوصله و استعداد ما خارج است ولیکن تعمق و تدقیق در وقایع تاریخی حیات عنصری مبارک دریچه کوچکی است که از خلال روزنه آن بارقه‌ای بر عقول و افکار ستایش‌گران حضرتش می‌تابد و رشحی از این اسرار را مکشوف می‌سازد. تولّد مبارک، احاطه کاملش بر ضمائر و منویات قلبی، شرایط وصلت مبارک با منیره خانم، تعیین حضرت شوقی به عنوان ولی‌ام‌الله، پیش‌گویی‌های

در زمانه‌ای که دست راستی‌های افراطی مسیحی در امریکا نفوذ گسترده‌ای در امور سیاسی جامعه پیدا کرده‌اند و افراطی‌های اسلامی دنیای غرب را مورد تهدید قرار داده‌اند، مادی‌گرایان نوین، خطری جدی را از هر دو سو احساس می‌کنند و درقبال آن، نه تنها با سرسختی مبارزه می‌کنند، بلکه سایرین را نیز به حمایت از خود فرا می‌خوانند.

علی‌رغم تفاوت‌های عظیم مابین هستی‌شناسی بهائی و مادی‌گرایان، موارد مشترک بسیاری را نیز می‌توان مشاهده نمود. یکی از اهداف عمده این مقاله تأکید بر اصول مشترک زیرین برای فتح باب برای گفتگوهای آینده است:

۱. «دین باید مطابق علم و عقل باشد» وگرنه خرافات است.

۲. علم و خرد، دو اسلحه کارآمد در کارزار کشف حقایق این جهانند.

۳. بی‌تردید موقعیت کنونی بشر لزوم سیستم اخلاقی جهان‌شمولی را ایجاد می‌کند که ورای ملاحظات خرده‌فرهنگ‌ها بتواند ضامن حفظ حقوق و شرافت انسانی باشد.

۴. قرائت قشری آثار مقدسه، یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد خصومت و جنگ و خونریزی در میان مؤمنین ادیان مختلفه است.

۵. آن‌چه در کتاب‌های مقدسه پیشین آمده، به هیچ‌وجه پاسخگوی مشکلات و معضلات امروز نخواهد بود.

۶. در همه انسان‌ها، نیازی طبیعی و درونی برای پرواز به سوی معنویات و روحانیات وجود دارد.

### اصل تحری حقیقت «بنفسه و بلا واسطه»

#### در آثار حضرت نقطه اولی

##### حیب ریاضتی

از مهم‌ترین مفاهیم اصولی و مبادی اساسی مذکور در آثار حضرت نقطه اولی، اصل تحری حقیقت «بنفسه» می‌باشد که در این مبحث، به بررسی اجمالی آن می‌پردازیم. بر اساس بیانات حضرت ربّ اعلی، تحری حقیقت باید شخصاً به نحوه انفرادی صورت گیرد یعنی هر شخصی باید به اراده خود در راه حقیقت بکوشد تا به شاهره مقصود زندگی

مسافرت کرد تا شخصاً پیام دیانت جدید را به جامعه نوبنیاد آمریکای شمالی ابلاغ کند. در این بحث، اهمیت تاریخی مسافرت حضرت عبدالبهاء را به نیم‌کره غربی بررسی می‌کنیم و به ویژه کوشش می‌شود که به سؤالات ذیل پاسخ داده شود:

• موضوع کلی پیامی که حضرت عبدالبهاء به مغرب زمین عرضه داشت، چه بود و انگیزه ایشان از ابلاغ چنین پیامی چه می‌توانست باشد؟

• حضرت عبدالبهاء برای ارایه دادن پیامشان چه روش و رویکردی اتخاذ نمودند؟

• سفرهای حضرت عبدالبهاء به غرب چه تأثیری داشت؟

• و بالاخره طرز بیان و روش حضرت عبدالبهاء و خطباتی که ایراد فرمودند به ما چه می‌آموزد که می‌توانیم امروزه بکار بندیم؟

### تحلیلی جامعه‌شناختی - روان‌شناختی

#### و تربیتی لوح مقصود

##### بهمین دادگستر

در این پژوهش و بررسی، به نحوه نزول، تاریخ و شخص مورد خطاب لوح اشاره می‌شود. لوح خطاب به یکی از مؤمنین اولیه امر می‌باشد و از جمله الواح بعد از نزول کتاب مستطاب اقدس نازل شده است و شامل نکات بسیار مهم و راهبردی برای جامعه انسانی است که در غالب مسایل اجتماعی جهان (جامعه‌شناختی)، شناختن خویشتن (روان‌شناختی) و تربیتی (آموزش و پرورش) مورد بحث قرار می‌گیرد. اندیشه اساسی که الهام‌بخش این بررسی بوده، اینست که جنبه‌های مختلفی از لوح به صورتی روشن به مورد بحث قرار گیرد. مبانی و مفاهیم تعلیم و تربیت روحانی که رکن اساسی در رشد آگاهی، بالندگی، خرد و روحانیت که نقش مؤثری در تعالی و شکوفایی استعدادهای بشری دارند، مورد بحث و کنکاش این بررسی است. در این لوح، وحدت عالم انسانی وسیله‌ای است که در مرکز قرار گرفته و دیگر مطالب مورد بحث در پیرامون این مرکز و محور قرار دارند. موارد مورد گفتمان عبارتند از: عدالت فردی - خانوادگی - اجتماعی، مقام انسان که طلسم اعظم است، تعلیم و تربیت، وحدت زبان، یک وطن بودن جهان و